



جمهوری اسلامی معضلات جدید ثریا شهابی

زیانبار جدال در صف دشمنان آن، را تغییر و آن را باز تعریف میکند. مردم ایران، طبقه کارگر، اکثریت محروم جامعه، فاکتورهای جدید اوضاع را درمیابد، در دل آن راه پیشروی در شرایط جدید را باز تعریف میکند.

وظیفه یک نیروی مسترقتی و مدافع اکثریت مردم محروم ایران و خاورمیانه، نه انتخاب بین ترامپ یا روحانی و خامنه ای که مقابله فوری با خراب شدن عواقب جدال در کمپ ارتجاع، بر سر آنها است. مقابله با تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری و نپرداختن دستمزدها، است. ادامه اعتراض علیه فساد و گندیدگی مزمن اختلاس تعمیم یافته و افسار گسیخته، مقابله با تحمیل اختناق و سرکوب، مقابله با سیاست های میلیتاریستی جمهوری اسلامی در منطقه و علیه این یا آن بخش از مردم ایران، راه دفاع از خود در این میدان است. راه پیشروی، مقابله با پروپاگاندای ناسیونالیستی حکومت و اپوزیسیون طرفدار حکومت است، که برای سرباز گیری برای نظام در جدال با قطب مقابل، شال و کلاه کرده اند. راه پیشروی، ادامه و گسترش اعتراضات برای معیشت، ←

ترامپ بعنوان نیروی اصلی تروریسم دولتی عنان گسیخته و بین المللی، نمی تواند از جانب نیروهای مترقی، طبقه کارگر و کمونیست ها، نه مورد اعتراض و نه مورد پشتیبانی قرار گیرد. ترامپ و کاخ سفید و سپاه و روحانی و سردار قاسمیانی و خامنه ای، از نقطه نظر مردم ایران و از نقطه نظر مردم عراق و منطقه، برادران خونی و هم جدال اند. این فاز جدید را باید، تنها بعنوان داده و شرایط جدید، دید و مسیر پیشروی خود در دل آن را بازتعریف و هموار کرد. باید از تبدیل شدن مردم ایران و مردم منطقه، از تبدیل شدن اکثریت محروم جامعه، طبقه کارگر، جوانان محروم و زنان آزادیخواه، به گوشت دم توپ جدال در کمپ دشمنان، به تحمیل فقر و فلاکت و خانه خرابی و جنگ بیشتر بر آنها، جلوگیری کرد. از نقطه نظر منافع مردم ایران و مردم منطقه، از نقطه نظر منافع طبقه کارگر و اکثریت محروم مردم ایران، این فاز از جدال بین نیروهای مترجع جهانی، تنها و تنها شرایط مبارزه برای دستیابی به یک زندگی بهتر، یک زندگی امن، برای مقاومت در مقابل عواقب

سیاست جدید دولت ترامپ در قبال ایران، تحریم سپاه پاسداران بعنوان نهادی حامی تروریسم، زیر سوال بردن محتوای برجام، و تلاش هیئت حاکمه آمریکا برای سختگیری های بیشتر علیه برنامه غنی سازی ایران، بار دیگر کیس ایران، شکاف با آمریکا، و آینده آن را به معضلات جدید مناسبات بین المللی تبدیل کرد.

سرباز کردن این شکاف، تحریم سپاه بعنوان اصلی ترین بازوی نظامی جمهوری اسلامی، تحریم سپاه بعنوان یکی از نهادهای میلیتاریستی منطقه و عظیم ترین کارتل اقتصادی انحصاری ایران، عواقب غیرقابل پیش بینی هم از نظر اقتصادی و هم نظامی و سیاسی دارد. عواقب سیاسی و اقتصادی که جمهوری اسلامی ایران تلاش میکند، بیش از همه و هرکس، آن را بر سر مردم ایران و مردم منطقه خراب کنند. عواقبی که علاوه بر بازتاب آن در ایران و در تغییر تعادل و توازن قوا بین مردم و حاکمیت، مناسبات بین المللی ایران در وهله اول با آمریکا و متحدین آمریکا در منطقه، چون عربستان و اسرائیل و ترکیه، و در وهله بعدی با برخی از کشورهای اروپایی، را بحرانی تر خواهد کرد.

اما در بعد سراسری، تحریم سپاه، اعمال محدودیت بر آن و منزوی کردن آن، توسط آمریکا و دولت

حکمتیست ۱۸۱

۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ - ۲۴ مهر ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود



کردستان عراق در محاصره! مظفر محمدی

چندی پیش مردم کردستان عراق رای به جدایی از کشور فدرال عراق دادند. این مردم به این ترتیب شکست فدرالیسم قومی را اعلام کردند. فدرالیسم قومی که از هر طرف چه ناسیونالیسم عرب و چه کرد و دستجات قومی و مذهبی دیگر حتی به قوانین مصوب خود پایبند نبودند. ... صفحه ۳

جنگ کرکوک

“دشمن از درون”

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست
(خط رسمی)

از نیمه شب دیشب، نیروهای حشد شعبی وابسته به سپاه قدس جمهوری اسلامی به فرماندهی قاسم سلیمانی حمله وسیعی را برای تصرف کرکوک و اطراف شروع کرده است. در جبهه جنوب و شرق کرکوک که نیروهای اتحادیه میهنی مستقر بودند، طبق توافق قبلی خانواده طالبانی با قاسم سلیمانی این جبهه را بدون درگیری تحویل حشد شعبی دادند و راه را برای ورود این نیرو به شهر کرکوک باز کردند. عقب نشینی و واگذاری جبهه ها به حشد شعبی باعث هرج و مرج در کرکوک، تخریب روحیه مردم و نیروهای باقیمانده در جبهه های دیگر شده است. همه شواهد از پیشی نشان می داد که از طرفی جناح طالبانی در این جنگ در کنار قاسم سلیمانی ایستاده و فرستادن نیرو از جانب این جناح به بخشی از جبهه ها صرفا برای تحویل آن به حشد شعبی و دشمنی از درون با مردم کردستان است. ... صفحه ۲

نقطه عطف دیگر!

مظفر محمدی صفحه ۴

آزادی
برابری
حکومت کارگری

جمهوری اسلامی ...

رفاه، آزادی های سیاسی و عقب زدن دست تعرض حکومت است. باید سپاه و بیت رهبری و رئیس جمهور و مجلس و همه نهادهای قدرت را، به نیروی خود عقب نشانند، و سرانجام به زندگی و اقتدارشان بر جامعه، خاتمه داد.

راه پیشروی، منزوی کردن ناسیونالیسمی است که در شکاف جدید با آمریکا، نوستالژی کشاندن مردم به پشت سر روحانی و مقام معظم و سرداران سپاهی، چون قاسمیانی، را در سر میپروارند. راه پیشروی عقب زدن اپوزیسیونی است که نوستالژی "فتح کربلا و فرهنگ شهادت اسلامی" دیروز را، جایگزین نسخه جدید "فرهنگ شهادت برای عظمت

ایرانی در منطقه"، در سر میپروارند! راه پیشروی منزوی کردن طیف روشنفکران چپ ضد امپریالیستی است که هرگز در تمام دوران حیات خود، رفاه و آزادی مشغله شان نبوده است. راه پیشروی منزوی کردن ناسیونالیسمی است که در این شکاف، نوستالژی «رژیم چینج» جدید به مهندسی ترامپ را در سر میپروارند! و در انتظار حکومت نظامیان فوکول کراواتی است که به قیمت سرکوب و اختناق "تمامیت ارضی" را پاس دارند! یک رکن پافشاری بر منافع مستقل خود، بر منافع مستقل طبقه کارگر و بر منافع مستقل و مستقیم مردم ایران و مردم در خاومیان، مقابله با این جنیش ها و تلاش برای منزوی کردن آنها است. راه

پیشروی، بازگو کردن حقایق مربوط به جدال هیئت حاکمه آمریکا، و در راس آن ترامپ، با جمهوری اسلامی ایران است. پشت پرده این فاز از جدال ترامپ با سپاه، حقایق دیگری که کاملاً خلاف آنچه هیئت حاکمه آمریکا اعلام میکند، خوابیده است. مسئله نه تروریسم سپاه است و نه ترمیم صورت حساب مالی برجام و نه توهم جنگ با ایران و رژیم چینج در ایران.

سرباز کردن مجدد این شکاف، بیش از آنکه در مورد ایران باشد، در مورد خود آمریکا، معضلات اقتصادی و بحران حکومتی، و شکاف آن با اروپا، و رقابت با رقبای اقتصادی در خاور دور و رقابت با قدرت نظامی روسیه است. کیس ایران، و تلاش برای

محدود کردن دامنه عمل آن در منطقه و در کنار متحدین سنتی آمریکا، در جهان چند قطبی که در آن آمریکا قادر به حفظ حتی ژست ریاست بر جهان غرب نیست، برای ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا، فرجه، فرصت و امکانی است که در دل آن و از طریق آن بر معضلات داخلی سرپوش بگذارد! مفری است که از طریق قدرتمند کرد.

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جز، لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

جنگ کرکوک ..

از طرف دیگر جناح بارزانی و متحدینش، حمله ی دولت بغداد و جمهوری اسلامی را جدی نگرفته و تا آخرین لحظات منتظر دخالت امریکا برای جلوگیری از حمله و دفاع از کرکوک شدند. در حالیکه گفته می شود شواهدی حاکی از توافق پشت پرده ی امریکا با دولت بغداد و حشد شعبی برای تصرف کرکوک وجود دارد.

مردم کرکوک و شهرهای اطراف و حتی داوطلبان از شهرهای دیگر کردستان که به کرکوک آمده اند، خود را برای دفاع از خانه و کاشانه شان را اعلام کردند. اما این مردم سازمان نیافته و بدون سلاح و

مهمات کافی و بدون فرماندهی، نمی توانست و نمی تواند مقاومت و دفاع موثری را انجام دهد.

به این ترتیب جنگ مقاومت و دفاع از کرکوک بدون استراتژی و تاکتیک معین و بدون تدارک از پیشی و سازماندهی منظم و رهبری و فرماندهی هماهنگ، نتوانست و نمی تواند پیروزی کسب کند. دلیل اصلی عقب نشینی و شکست های تا کنونی نه تعرض حشد شعبی و جنگ با آن، بلکه توسط دشمن از درون خود نیروهای احزاب ناسیونالیست کرد و بویژه جناح طالبانی بوده است.

خواه کرکوک در دست نیروهای پیشمرگ و داوطلبان از میسان

مردم، که هنوز در جبهه هایی آماده مقاومت اند، بماند و خواه از دست برود، اما این سر آغاز یک تعیین تکلیف نهایی مردم با احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان است.

اتحادیه میهنی که به چند بخش تبدیل شده است، باید این بار برای همیشه از صحنه سیاسی کردستان زده شود. رهبران این جناح باید به جرم خیانت و دشمنی با مردم و سازش با جمهوری اسلامی، محاکمه و مجازات شوند.

"ما را فروختند" این حرف زنان و مردان و جوانان کرکوک است که امید به مقاومت و دفاع را از دست داده و بی پناه و بی دفاع مانده اند. این حرف

همه مردم زحمتکش کردستان است. دیروز شنگال را به داعش فروختند و امروز کرکوک را به حشد شعبی!

کسانی که رای و سرنوشت و زندگی و خانه و کاشانه و معیشت و حیات مردم کرکوک و شهرهای اطراف را با قاسم سلیمانی معامله کردند و فروختند، جنایتکارانی هستند که از پشت به کارگران و زحمتکشان و همه رای دهندگان به استقلال و آزادی از حکومت فدرال قومی عراق، خنجر زدند.

این سناریوی تلخ بار دیگر به مردم کردستان عراق نشان داد که احزاب حاکم و اپوزیسیون قومی و مذهبی در کردستان، از جمله جناح طالبانی که عملاً به بازوی جمهوری اسلامی تبدیل شده است، نه تنها صلاحیت دفاع از رای و خواست مردم را ندارند، بلکه خود به دشمن اراده و خواست مردم کردستان تبدیل شده اند.

این سناریوی جدید، بار دیگر ثابت می کند که تنها راه نجات مردم کردستان و دفاع از آزادی و خواست و امنیت و زندگی، سازماندهی قدرت از پایین و تسلیح عمومی توسط نیرویی غیر از نیروها و احزاب ناسیونالیست و عشیترتی، موجود است.

دفتر کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی) ۲۴ مهر ماه ۹۶

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

کردستان عراق ...

امروز کردستان عراق، هم از خارج و هم داخل محاصره شده است. ترکیه با حضور نظامی اش در شمال کردستان و ایران با حشد شعبی که سازمان نظامی دست ساز خودش است و دولت عراق در بغداد، تهدیدات نظامی، محاصره اقتصادی و ممنوعیت پرواز هواپیماهای مسافربری به کردستان را آغاز کرده اند.

جمهوری اسلامی خانواده طالبانی را ظاهراً مجاب کرده است که از رفراوند بگزنند و به همراه دولت عراق کرکوک را مشترکاً اداره کنند و بارزانی را اگر سرپیچی کند برود در منطقه تحت تسلط خود هر کاری می‌خواهد بکند. اگر این ادعای جمهوری اسلامی بکری نشانده شود، نتیجه عملی اش این است که بارزانی هم ترکیه را وارد میدان کند.

هم اکنون نیروهای حشد شعبی و وابستگانش، در حومه کرکوک تمرکز بزرگی کرده و حالت جنگی بخود گرفته اند. حتی در منطقه ای در جنوب کرکوک سنگرهای را از نیروهای نظامی جناح اتحادیه میهنی بدون جنگ پس گرفته اند. اکنون سوال این است که آیا مردم کردستان عراق می توانند از رای و تصمیم خود برای استقلال دفاع کنند؟ یا سرنوشت خود را به معاملات و بند و بست های احزاب حاکم دولت اقلیم و یا جنگ و زورگویی دشمنان شان می سپارند؟

تجربه تا کنونی جنگ و گریزهای احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان چه در جنگ داخلی بین خودشان و چه آوردن نیروهای خارجی به کمک خود،

برای مردم کردستان عراق در سه دهه اخیر عیان است. آیا این سناریو تکرار می شود؟ آیا جناح اتحادیه میهنی به حمایت حشد شعبی ایران حزب رقیب را از کرکوک بیرون می راند؟ آیا جناح بارزانی ترکیه را برای دفاع از کرکوک در مقابل حشد شعبی ایران وارد جنگ می کند؟

ولو این اتفاق به این وسعت نیفتد اما دخالت ایران و تهدید نظامی از طریق حشد شعبی آشکار است. این پروژه عملاً و واقعاً دست ایران و از طریق نیروی نظامی حشد شعبی خود است. چون ظاهراً عبادی اعلام کرده بود که با کردستان وارد جنگ نمی شود!

مردم کردستان عراق اگر بخواهند این اتفاقات نیفتد و یا در صورت وقوع جنگی، از خود دفاع کنند، باید خود مستقیماً سازمان یافته و با رهبران خود وارد میدان عمل شوند. ظاهراً در نگاه اول می بینیم که مردم بین احزاب قومی و اسلامی تقسیم شده و توسط آنها رهبری می شوند. اما چه در میان این بخش مردم سازمان یافته در احزاب و نیروهای اداری و نظامی شان و چه در بخش مستقل، توده وسیع کارگران و زحمتکشان و روشنفکرانی هستند که بطور کامل از احزاب حاکم کردستان سلب اعتماد کرده اند. نه به جنگ و نه به صلح شان اعتقاد و اعتماد ندارند.

اما این بخش جامعه بدون انسجام و بدون اتحاد و تشکل و بدون رهبری است. و این رهبری در میدان عمل و نه در تبلیغات به تنهایی، عروج می کند و نیروی مردم را جابجا می کند.

الان کردستان عملاً محاصره اقتصادی و نظامی شده است.

نیروی آزادیخواه و انسان دوست و غیر قومی و غیر مذهبی لازم است که مردم را برای اداره جامعه سازماندهی کند. توزیع مایحتاج مردم و ذخیره لازم غذا و سوخت و غیره را بعهده بگیرد و خطر گرسنگی و قحطی را از سر جامعه بردارد. شوراهای کارگری و مردمی و کمیته های محلات می توانند سازمان یابند و با بسیج توده ای در محل های کار و محلات زندگی کنترل محلات و امنیت و آسایش و تامین و توزیع مایحتاج ضروری را بعهده بگیرند.

در شهر کرکوک که عملاً در محاصره نظامی حشد شعبی جمهوری اسلامی قرار گرفته است، کارهای سخت تر و بیشتری باید انجام داد. نیروی نظامی "پیشمرگ" کنونی احزاب حاکم به تنهایی قادر به دفاع از شهر و مردم کرکوک و حفظ آن نیست. تجربه جنگ منظم و جنگ شهری را ندارد.

این نیروی میلیشیای تسلیح توده ای نیست. حقوق بگیرانی هستند که بعضاً لازم نمی بینند خود را بخاطرش به خطر بیندازند. نیروی است که از جنگ داخلی احزاب و جنگهای این دوره خسته و ناامید شده اند. در کرکوک سازماندهی مقاومت را کسانی می توانند عملی کنند که تمام شهر را برای دفاع از خود آماده و سازماندهی کند. حشد شعبی تواناتر از داعش نیست که طی چند ماه محاصره کوبانی از زنان و مردان مدافع شهر، شکست خورد.

باید فوری دست بکار شد و این نیرو را به میدان آورد. در محلات سازمان داد. تدارکات نظامی و سلاح های سبک و نیمه سبک کامل را از احزاب حاکم گرفت و به دست مردم

داد. هیچ کسی بدون اسلحه و مهمات لازم نشود. محلات و خیابان ها را سنگر بندی کرد، فرماندهی نیروی مسلح محلات را از نظامیان با اراده و آگاه تامین نمود. دور شهر خندق کند و سنگرهای محکم بست. آذوقه لازم را در محل های معین ذخیره کرد. برای روشنایی خانه ها و محلات در صورت قطع برق سراسری تامین و تدارک دید. بیمارستان ها و پرسنل پزشکی لازم در شهر تدارک دید و در همه شهرها امکانات پزشکی، تدارکاتی را آماده نگه داشت... و ابتکارات بیشتری که میتوان بخرج داد.

شکی ندارم که اگر این اتفاق بیفتد و دشمن متوجه چنین مقاومت و تدارک مقاومت و دفاع جانانه از جانب مردم شود، کم تر جرات وارد شدن به جنگی را خواهد داشت که در آن گورش را کنده باشند. کرکوک را باید به گورستان نیروهای قومی و مذهبی و مزدوران جمهوری اسلامی تبدیل کرد. این کار شدنی است.

مردم شهر کرکوک و دیگر شهرهای کردستان این آمادگی را دارند، از خانه و کاشانه و بچه هایشان و کار و زندگی و معیشت شان جانانه دفاع کنند و فرار نمی کنند. کرکوک می تواند استالینگرادی بشود که سرنوشت جنگ جهانی دوم را رقم زد و یا کوبانی ای که پوزه داعش را به خاک مالید.

اما این اقدامی خودبخودی و هر کس برای خود و یا در دستجات کوچک و بدون تجربه و بدون فرماندهی واقعی و بدون هماهنگی و با هرج و مرج نمی تواند باشد. در چنین حالتی و با چنین مقاومتی ولو مردم در شهر شکست بخورند، اما جنگ در بیرون و اطراف

شهر ادامه خواهد داشت و این بار اشغالگران در محاصره نیروی مقاومت و تعرض متقابل چه در شهر و چه اطراف آن از جانب همه مردم کردستان قرار خواهند گرفت. کردستان عراق امروز به نوعی از عروج توده های مردم در سراسر این منطقه نیاز دارد. مردمی که خود مستقیماً سرنوشت خود را چه در میدان کنترل اداره شهرها و محلات، کنترل توزیع و مقابله با محاصره اقتصادی و خطر قحطی و چه در میدان های جنگ و مقاومت، تعیین می کنند. مردمی که در فردای آزادی و استقلال کردستان حکومتی خواهند داشت که نه قومی است و نه مذهبی و عشیرتی و نه ادامه حکومت احزاب میلیشیایی.

کمونیست ها، سوسیالیست ها، کارگران، آزادیخواهان و زنان و مردان و جوانان تشنه آزادی و رفاه و امنیت، بار سازماندهی و رهبری این مقاومت انسانی را بر دوش دارند. مردم کردستان عراق شایسته آن هستند که پس از سه دهه حاکمیت احزاب قومی و عشیرتی، چاپیدن و غارت داراییهای کردستان، گرسنه نگه داشتن خانواده ها، تحمیل جنگ داخلی...، سرنوشت خود را به دست بگیرند. زحمتکشان و روشنفکران و آزادیخواهان کردستان باید بدانند که مردم کردستان از پتانسیل و ظرفیت مبارزه و مقاومت بالایی برخوردار هستند. ظرفیتی که تا حالا ابزار دست حکام ظالم و فاسد و غارتگر نان سفره مردم بوده و امروز این ظرفیت می تواند و باید در خدمت به خود، دفاع از خود و ساختن جامعه نوین، آزاد و مرفه و امن، قرار گیرد.

نقطه عطف دیگر!

مظفر محمدی

تجمع سازمانیافته و سراسری معلمان شاغل و بازنشسته در ۱۳ مهر ماه، روز جهانی معلم، نقطه عطفی دیگر در تاریخ جنبش معلمان برای تامین آزادی، رفاه و معیشت بود. این یک پیروزی برای جنبش معلمان است. هر گام موفقیت، این جنبش را ادامه کار و مستحکم می کند.

در این روز به دعوت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور، هزاران معلم در تهران و مراکز استان ها، تجمع کردند و مطالبات خود را بار دیگر مطرح، اجرای فوری آن را خواستار و اعلام کردند که: "تا حق خود نگیریم، از پای نمی نشینیم".

در تجمعات امسال معلمان ایران علاوه بر طرح مطالبات روشن و صریح و مستدل و بدون التماس، دو پدیده جدید وجود دارد که نشان از ارتقای این جنبش است.

یکی شرکت خانواده های دانش آموزان در تجمع معلمان در شهرهای اصفهان و شیراز است. بر کسی پوشیده نیست که معلمان از موقعیت اجتماعی و شخصیتی و ظرفیت مبارزاتی بسیار خوبی در جامعه برخوردارند. این قشر محبوب به هیچ کس بدهکاری ندارند. صمیمانه و دلسوزانه نسلها را آموزش و پرورش میدهند. میلیونها دانش آموز از متحدین معلمانند. معلمان میلیونها انسان سمپات، دوست و متحد خود در میان خانواده دانش آموزان را دارند. معلمان سمپاتی و دوستی وسیع اجتماعی را پشت سر خود دارند. شرکت خانواده ها در

تجمع معلمان در ۱۳ مهر امسال، اگر چه محدود بوده است اما پیام خوبی برای جامعه و به نفع جنبش و مبارزه حق طلبانه معلمان دارد.

دومین مساله این است که در قطعنامه معلمان علی گودرز تحصیل رایگان برای همه از جمله کودکان افغانی و مهاجر خواسته شده است. این در شرایطی است که رژیم، کارگران مهاجر و خانواده ها و فرزندان شان را علاوه بر تحمیل بی حقوقی محض و تحقیر و تبعیض و ستم، تحت فشار شدید قرار داده و دسته دسته از کشور اخراج یا روانه میدان های جنگ در سوریه می کند.

موضع انسانی و ضد بیگانه ستیزی و علیه ملی گرایی و یادآوری جهانشمول بودن حقوق انسان از جانب معلمان، قابل تقدیر است.

معلمان در قطعنامه ها و سخنرانی های تجمعات شان، بر بهبود سطح معیشت معلمان، کیفیت آموزش و بیشترین امکانات برای فرزندان مردم در مدارس، همبستگی مبارزات کارگران معلمان، برسمیت شناختن تشکلهای مستقل معلمان و خاتمه دادن به فشار و سرکوب رهبران معلمان، کارگران و فعالین اجتماعی تاکید کردند.

افزایش بودجه آموزش و پرورش، افزایش حقوق تا حد بالاتر از خط فقر، توقف خصوصی سازی و کالایی سازی آموزش و تحصیل رایگان، از مطالبات اصلی معلمان سراسر

کشور است. همچنین معلمان اعلام کردند که همه مطالباتشان را یکجا پیگیری خواهند کرد.

با وجود تجمعات با شکوه و سازمانیافته و مطالبات صریح و قطعنامه های روشن، اما هنوز تشکل صنفی معلمان ایران نتوانسته است از تمام ظرفیت مبارزاتی خود استفاده کند. اگر ما شاهد تجمع چند ده هزار نفری معلمان و بازنشستگان در تهران بودیم. اگر در همه مراکز استان ها که تجمع معلمان صورت گرفت، چند صد هزار معلم و دانش آموزان و خانواده هایشان شرکت داشتند، همان روز و همان ساعات می توانست معلمان زندانی را آزاد کند.

دولت و پلیس در مقابل خواست فوری و همین امروز صدها هزار معلم در سراسر ایران برای آزادی عبدی دبیر کل کانون صنفی معلمان و دیگر معلمان و حتی کارگران در بند، هیچ راهی نداشت جز تسلیم به تصمیم و اراده معلمان. این اتفاقی بود که می توانست بیفتد! معلمان می توانستند خواستار پیوستن فعالین و همکاران خود به تجمع شان در تهران در همان روز و همان ساعت شوند: "تا همکارانمان را به ما پس ندهید از اینجا نمی رویم!"

مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه معلمان می رود تا به یک جنبش عظیم اجتماعی، آزادیخواهانه و پیشرو در ایران تبدیل شود. هر قدم پیشروی و پیروزی این

جنبش، مبارزه طبقاتی و اجتماعی در ایران را تقویت و به جلو می برد. ارتقای مبارزه طبقه کارگر برای آزادی و رفاه و معیشت و تبدیل آن به یک جنبش عظیم طبقاتی سراسری، افق پیشروی جامعه طبقاتی ایران است. جدال طبقاتی و اجتماعی مستمر توده های وسیع کارگر و زحمتکش و جوان و زنان برابری طلب با رژیم جمهوری اسلامی و نهادهای دولتی و قضایی و پلیسی اش بر سر زندگی

مرفه، آزادی و حرمت انسانی و رفع تبعیض و ستم و سرکوب، نشان میدهد که در اعماق جامعه اختناق زده ما جوش و خروشی مداوم در جریان است. از طرفی زورگويان، واعظان و نادبان فقر و تبعیض و بردگی، به تباه کردن زندگی مردم ادامه میدهند. در مقابل، عشق به زندگی و رفاه و آزادی و خوشبختی، دشمنان زندگی را به مصاف میطلبند. در این جدال ما باید پیروز شویم!

شریاف همتک

حزب حکمتیست (خودرسم)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

زنده باد انقلاب کارگری!